

سخنی از ایمان

ایمان یعنی امید. تمام زندگی ما مواجه با خطر است. هوایپما، خودرو، آسان سور، گاز، برق، شلوغی، هوای آلوده، دارو، و ما هم از هیچ کار یا عملی نتیجه قطعی نداریم همه کارهای ما به امید نتیجه است

همه بر امید تضمین نشده ای کار هارا انجام میدهیم زندگی ما بر لبه خطر است همیشه وسائل خطر خیز بسیار است از این روی بیمه ها فرا گیر شده اند حالا که همه کارها بر امید است پس بیا و دین را هم بر امید نجات و رهانی و دفع خطرات باور و عمل کن چرا وقتی به دین می رسی سخت گیر می شوی که باید بدامن نتیجه خوبست یا نه هیچ چیز نتیجه قطعی ندارد

دین، ایمان و امید است در مقابل ایمان پاس فرار دارد و نه کفر آدم ملیوس کافرو بی ایمان است
چونکه بر بوکست جمله کارها - کار دین اولی کزین یابی رهایی امید.

رخصتی و مجالی اینجا به ما داده اند این است که با امید درب را بکویید همه جا باید این گونه باشیم با امید دری را می زنیم تا شاید باز شود دین هم با امید درش را میزنیم .

یست دستوری بدینجا قرع باب - جز امید الله اعلم بالصواب.. دستوری یعنی رخصت